اتیکت

خوش ماسک باشیم!

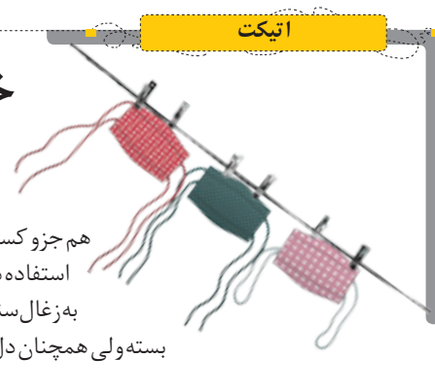

ماسک‌ها این روزها تبدیل شده‌اند به چیزی شبیه لباس‌های‌مان یا شبیه کیف پول و گوشی همراه. شاید شما هم جزو کسانی باشید که حیف‌تان می‌آید ماسک را پس از یکی، دو بار استفاده دور بیندازید. این‌طوری می‌شود که بعضی‌ها ماسک سفیدشان به زغال سنگی می‌زند و پرزهایش نمایان شده و یک رگه زرد دورتادورش نقش بسته ولی همچنان دل‌شان نمی‌آید با آن خداحافظی کنند و معتقدند هنوز هم می‌شود با همین ماسک از کرونا در امان ماند. در حالی که همین افراد حاضر نیستند لباسی را با یقه کثیف و آستین‌های رنگ‌گرفته بپوشند و همیشه حواس‌شان به تروتمیز بودن لباس‌های‌شان هست. حالا با گذشت ۶ ماه از روزی که کرونا بساطش را وسط زندگی‌مان پهن کرده همه‌مان خوب می‌دانیم که ماسک‌های یک‌بار مصرف فقط حدود چهار، پنج ساعت می‌توانند از ما محافظت کنند و بعد از این که صورت‌مان عرق کرد یا زیر آن عطسه و سرفه کردیم دیگر تاریخ انقضایش رسیده و باید راهی سطل زباله شود. اگر دوست دارید هر ماسک را چندین روز نگه دارید، ما استفاده از ماسک‌های پارچه‌ای را به شما پیشنهاد می‌دهیم. این ماسک‌ها را خیلی راحت می‌توانید بشویید و دوباره استفاده کنید. البته ماسک‌های پارچه‌ای آن محافظت جدی ماسک‌های سه لایه را ندارند. خلاصه همان‌طور که لباس پر از چروک نمی‌پوشید به مرتب بودن ماسک‌تان هم اهمیت دهید. اتوی داغ هم آن را ضدعفونی می‌کند و هم کمک می‌کند صاف و مرتب و نو به‌نظر برسد. ماسک‌های پارچه‌ای برای محیط‌زیست هم مناسب‌ترند. فقط مراقب باشید در مکان‌های شلوغ و پرخطر از آن‌ها استفاده نکنید و همیشه یکی، دوتا ماسک جراحی و چندلایه همراه داشته باشید.

گالری

رفقا سلام!
تو این روزهای سخت و عجیب،
دوست‌های نوجوون ما به‌جای غصه خوردن
و یک‌جا نشستن، کارهایی کردن کارستون؛ مثل تیم
چهارنفره المپیاد زیست‌شناسی‌مون که تو المپیاد جهانی امسال
به میزبانی ژاپن سه تا مدال نقره و یک برنز به‌دست آوردن. دم
«آرین»، «نازگل»، «محمدامین» و «امیرحسین» گرم.

شماره پیامک ۲۰۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰

کهکشان راه‌شیری، پس‌زمینه نمایشگاه ماشین‌های اسقاطی- نوادا
عکس از: huffpost.com

پرونده‌های مجهول

هواپیمایی که از تونل زمان بازگشت!

پنج‌شنبه‌ها بخوانید

ماجرای هواپیمای گمشده‌ای که بعد از ۳۷ سال فرود آمد

فاطمه قاسمی | روزنامه‌نگار

بعضی از ما دوست داریم به عقب باز گردیم و بعضی‌های‌مان هم کنجکاویم از آینده سر دربیاوریم. هربار شخصیت‌های علمی-تخیلی در زمان سفر می‌کنند، توی دل‌مان می‌گوییم «یعنی میشه واقعی باشه؟». در مجهول این هفته، قصه جالبی می‌خوانید که شاید نظرتان را درباره سفر در زمان عوض کند.

فرود ۱۸۰۰ کیلومتر دورتر از مقصد

روز ۲۱ می ۱۹۹۲ در «کاراکاس» ونزوئلا هواپیمای عجیبی اجازه فرود می‌گیرد. برج مراقبت با بررسی نام و شماره پرواز متوجه می‌شوند که پرواز ۹۱۴ متعلق به شرکت هواپیمایی «پان امریکن ورلد ایرویز» است. کارکنان برج مراقبت همگی در بهت و حیرت فرو می‌روند چون این پرواز روز ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۵، در میانه راه از صفحه رادار محو و بی‌هیچ ردی برای همیشه ناپدید می‌شود تا جایی که جست‌وجوگرانش را برای همیشه ناامید می‌کند و حالا بعد از ۳۷ سال قرار است روی زمین بنشیند! «خوان دلاکورته» تنها شاهدی که در مستندات این روز عجیب از او نام برده شده و ادعا می‌شود که ارتباط تلفنی‌اش با خلبان، ثبت شده است، ماجرا را این‌گونه تعریف می‌کند: «هواپیمایی که فرود آمد، آن‌قدر قدیمی بود که رادار توانایی تشخیصش را نداشت. زمانی که از خلبان درباره جزئیات پرواز پرسیدم، از پاسخ مبهم و لحن وحشت‌زده‌اش متوجه شدم که یک جای کار می‌لنگد. خلبان گفت که هواپیما ۴ کادر پرواز و ۵۷ مسافر دارد و قرار بوده که از میامی به نیویورک برود. این‌جا بود که همه ما در اتاق کنترل برج مراقبت شوکه شدیم. از او پرسیدیم که آیا گم شده است؟ زیرا مقصدی که قرار بوده به آن برسد، دست‌کم ۱۸۰۰ کیلومتر تا این‌جا یعنی کاراکاس در آمریکای جنوبی فاصله دارد!».

سرنوشت نامشخص مسافران احتمالی زمان

بعد از نشستن هواپیما، کادر پرواز و مسافران چنان حیرت‌زده به اطراف‌شان نگاه می‌کردند که گویی از خوابی عمیق بیدار شده‌اند. کارکنان به مسافران توضیح دادند که هواپیما باید در ساعت ۹:۵۵ در میامی فرود می‌آمده اما پس از ۳۷ سال در کاراکاس ونزوئلا نشسته است. کارت شناسایی مسافران بررسی شد. آن‌ها مسافران پرواز سال ۱۹۵۵ بودند و در تمام این سال‌ها، هیچ اثری از تغییر سن در آن‌ها دیده نمی‌شد. درباره این که چه بر سر مسافران بعد از فرود به زمین آمده است، مستندات دقیقی در دست نیست اما بر اساس منابع وقتی کارکنان برج مراقب قصد داشتند برای کمک به مسافران و خدمه نزدیک شوند، خلبان مانع آن‌ها می‌شود و اعلام می‌کند که با مسافرانش دوباره پرواز می‌کند و خلبان قبل از پرواز عمدا تقویمی متعلق به سال ۱۹۵۵ را به زمین می‌اندازد. در این جا سوال پیش می‌آید که چطور برج مراقبت اجازه پرواز به هواپیمایی را می‌دهد که صلاحیت پرواز دوباره آن هم به مقصدی نامعلوم را نداشته است.

پایان باز پرواز ۹۱۴!

تا این جای داستان همه‌چیز به‌نظر ساختگی می‌آید و ما هم درستی آن را تایید یا رد نمی‌کنیم اما اسنادی در فضای مجازی دست به دست می‌شود که جعلی بودنش را مورد تردید قرار می‌دهد. ادعا می‌شود که صدای ضبط شده خلبان و «دلاکورته» و تقویم سال ۱۹۵۵ هنوز در فرودگاه نگهداری می‌شود. افرادی هم این داستان را یک ترفند رسانه‌ای برای جذب مخاطب می‌دانند. از آن‌جا که در دهه ۹۰ میلادی خواندن مطالبی درباره فرازمینی‌ها و داستان‌های تخیلی نزدیک به واقعیت برای مردم جذابیت زیادی داشت، دور از ذهن نیست که مجلات برای جلب مخاطب و فروش بیشتر به انتشار چنین مطالبی اقدام کرده باشند و برای باورپذیرتر کردنش هم مصاحبه‌های تخیلی با اعداد و ارقام ترتیب داده باشند. از طرف دیگر اگر اطلاعات سوانح هوایی در سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۹۲ را جست‌وجو کنید، هیچ مطلبی درباره پرواز ۹۱۴ پیدا نخواهید کرد. با این حال هنوز افرادی هستند که با جدیت پیگیر ماجرای این پرواز ند و منتظر نند روزی را ناپدید شدنش آشکار شود.

منابع: wtsnew, planeandpilotmag

خودت بساز

شعبده‌بازی با کمربندهای کهنه

مهسا فارسی | روزنامه‌نگار

درست همان لحظه‌ای که داری نقشه دور ریختن وسایل کهنه‌ات را می‌کشی، این جمله کلیدی را به خاطر بیاور: «ممکنه یه‌جایی به‌درد بخوره»! به‌نظر من که همیشه ساختن چیزها با وسایل قدیمی یا قابل‌بازیافت هم جذاب و باحال است هم بدون هزینه و فانتزی! این‌طور نیست؟ در «خودت بساز» این هفته قرار است با کمربندهای کهنه و قدیمی که به‌درد هیچ کاری نمی‌خورند، یک طاقچه زیبا بسازیم و به دیوار اتاق‌مان نصب کنیم.

همه آن‌چه نیاز دارید: تخته چوبی در ازا مقوای ضخیم، کمربند کهنه، قیچی، میخ و چکش، چسب

گرچه اصل کار با تخته چوبی است اما می‌شود از کارتن و مقواهم استفاده کرد به شرطی که به میزان کافی ضخیم باشد و تحمل بار وسایل کوچک دکوری را داشته باشد؛ مثل کتابچه‌ها، گلدان یا هر وسیله‌ای. اگر تخته چوبی‌تان کثیف بود یا مقوا نازیبا، می‌شود آن را با کاغذ رنگی و چسب مایع پوشاند. من از کاغذ رنگی با طرح کاهی استفاده کردم تا بیشتر شبیه سطح چوب به‌نظر برسد. حالا کمربند را برمی‌داریم و پس از بریدن قسمت سگک، با قیچی آن را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کنیم. محل مدنظر برای طاقچه را روی دیوار پیدا و یکی از کمربندها را مانند تصویر به دیوار میخ می‌کنیم. تخته را از آن عبور می‌دهیم طوری که هم‌راستای افق باشد و کج و کوله نشود. حالا با نیمه دیگر کمربند، سمت دیگر طاقچه را درست می‌کنیم. کار ما همین جا تمام می‌شود. حالا وقتش رسیده که چیزمیزهای‌مان را رویش بچینیم و از دیدنش لذت ببریم. شما هم مثل من این طاقچه را دوست داشتید؟

آثار شما

درستایش ماه!

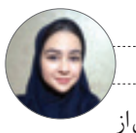

یگانه احمدی‌منش | ۱۷ ساله

شب‌ها بیشتر از هروقتی دل‌های‌مان به سمت دل‌های دیگر پر می‌کشد؛ معشوق‌مان، عضوی از خانواده‌مان، عزیز از دست‌رفته‌مان. گویی شب می‌آید تا تنهایی‌ها و دلتنگی‌ها را با همه سیاهی‌شان به رخ بکشد. بین این همه ستاره که شمردن‌شان با همه فراوانی کفاف آوردن خواب به چشمان‌مان را نمی‌دهد، ماه چه فداکارانه زورش را خرج حضور روشنی‌بخش مهتاب می‌کند. سکوت شب، سکوت احساس‌مان را می‌شکند. لیوان چای مرهم دردهای دل بی‌قرارمان می‌شود و زبانه‌های آتش دل‌مان و بغض مانده در گلوی‌مان را سرکوب می‌کند. من گاه به این می‌اندیشم خورشید چه خودخواهانه بساطش را از دل شب جمع می‌کند و این انبوه آدمیزاد را در دل سیاهی و حسرت و تنهایی وامی‌گذارد.

پاسخ جدول

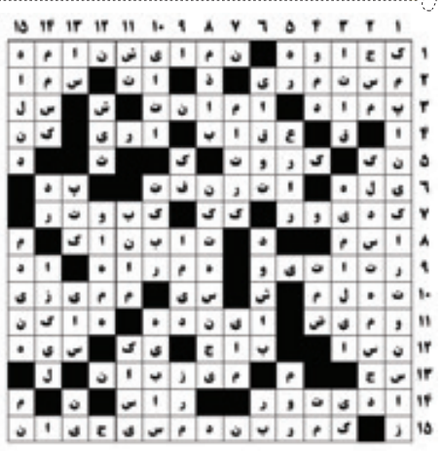

بالتازار

بلوتوث چطور کار می‌کند؟

مریم ملی | روزنامه‌نگار

حدود ۲۰ سال پیش که نه خبری از شبکه‌های اجتماعی بود و نه اینترنت این‌قدر فراگیر شده‌بود، تنها فناوری که می‌توانست گوشی‌های ما را به هم وصل کند و به کمکش عکس و فیلم را برای دوست و فامیل بفرستیم همین بلوتوث بود. این فناوری هنوز هم کهنه نشده و با کمکش می‌توانید هدفون بی‌سیم‌تان را به لپ‌تاپ و گوشی همراه وصل کنید و فایل‌های‌تان را از روی تبلت به تلویزیون منتقل کنید اما بلوتوث دقیقا با چه چیزی کار می‌کند؟ فناوری بلوتوث توسط امواج رادیویی، مخصوصا با فرکانس ۲/۴ گیگاهرتز کار می‌کند. این فرکانس کوتاه معمولا توسط بسیاری از وسایل هوشمند که نیاز به اتصال به دیگر دستگاه‌ها دارند، پشتیبانی می‌شود. وقتی شما فایلی را برای ارسال آماده می‌کنید، آن فایل ابتدا به داده‌هایی با دسته‌بندی کوچک‌تر تقسیم می‌شود و بعد این بسته‌ها به کانال‌های ارسال داده در گوشی یا ابزارتان می‌رود و به کمک فناوری داخل قطعه بلوتوث، کانال‌های ارتباطی چک می‌شوند. بعد برای ارسال به دستگاهی که بلوتوثش روشن و کانال‌های دریافتی‌اش آزاد باشد، آماده می‌شود. زمانی که دو دستگاه از طریق بلوتوث به هم وصل می‌شوند، بین آن دو شبکه‌ای خصوصی تشکیل خواهد شد که به هیچ شبکه دیگری از جمله اینترنت نیاز نخواهد داشت، اما اسم این قطعه الکترونیکی کوچک، از کجا آمده است؟ وقتی مهندس‌های برق شرکت «اریکسون» این قطعه را ساختند، هرچه فکر کردند اسم خوبی برایش پیدا نکردند. بعد از مدتی عده‌ای پیشنهاد نام «بلوتوث» را دادند که درواقع نام مستعار آخرین پادشاه وایکینگ در دانمارک و نروژ بود که حسابی به میوه بلوبری علاقه داشت و دندان‌هایش از خوردن زیاد این میوه آبی شده بود. علت انتخاب چنین اسمی برای این فناوری هم این بود که جناب پادشاه در زمان خودش توانسته بود کلی کشور را با هم مرتبط و متحد کند و از آن جایی که بلوتوث هم قرار بود دستگاه‌های مختلف را به هم وصل کند این نام را برایش انتخاب کردند.

دیدنی

موش‌های هنرمند

یک دانشجوی دام پزشکی، روزی خیلی تصادفی به استعداد نقاشی موش‌های خانگی‌اش پی می‌برد. برای آن‌ها چند بوم نقاشی کوچک می‌خرد و منتظر می‌ماند تا با پنجه‌های‌شان تابلوهای مینیاتوری بامزه بکشند. این موش‌ها و نقاشی‌های‌شان حالا حسابی معروف شده‌اند.
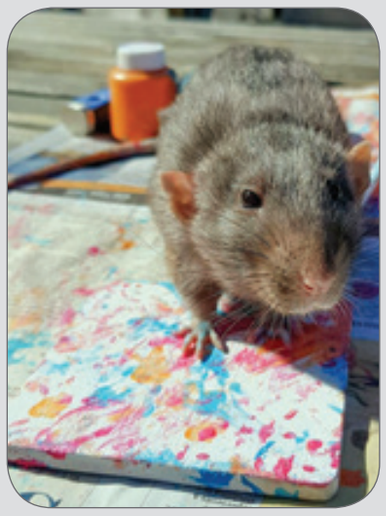
منبع: mymodernmet